

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ۱۲ شماره ۳۸ بهار و تابستان ۱۳۹۹ (صص ۱۷۶-۱۴۷)

## همگرایی ناتو و هند و اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

۳- محمد باقر قالیباف

۲- محمود واثق

۱- مجید غلامی

### چکیده

هند در جنگ سرد، با راهبرد عدم تعهد، از رقابت های دو بلوک در دو سازمان امنیتی ورشو و ناتو، دور شد اما با فروپاشی شوروی و تغییر شرایط بین الملل، با فعال کردن ظرفیت های ژئوپلیتیکی خود نه تنها به قدرتی نو ظهور در قرن بیست و یکم تبدیل شده بلکه با راهبرد جهانی سازی، هم گرایی با قدرت های برتر بین المللی از جمله سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را در دستور کار خود قرار داد. رابطه هند با ناتو و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، موضوع مقاله حاضر است و نویسندگان تلاش دارند به این پرسش پاسخ دهند که گسترش زمینه های همکاری هند و ناتو چه تاثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، اینترنتی و رسانه‌ای، فرضیه مقاله عبارت است از این که «ناتو با تقویت همکاری و شراکت راهبردی در منطقه جنوب آسیا با هند به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی و تکنولوژیک، به دنبال تامین امنیت و گسترش هژمونی در این منطقه با هدف کنترل ایران و چین است». یافته ها نشان می دهد که مشارکت ناتو و هند در سه زمینه موضوع، محیط و سطح، به طور همزمان فرصت ها و تهدید هایی را برای امنیت ملی ایران به دنبال دارد.

**کلید واژه ها:** ناتو، هند، ژئوپلیتیک، هم گرایی، ایران.

### ۱-مقدمه

به ابتکار ناتو در فوریه ۲۰۱۲ میلادی نشست امنیتی مونیخ با موضوع «چالش های امنیتی جهان»

۱- دانشجوی دکترای گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲- استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) Email: mahmoodvasegh@ut.ac.ir

۳- دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۲

با حضور سران نظامی و سیاسی کشور های در ارتباط با ناتو و برخی دیگر از کشور ها برگزار شد. در این نشست، چگونگی مواجهه با تهدیدات جهانی مورد بحث و بررسی رهبران بلند پایه جهانی قرار گرفت اما آن چه اهمیت این نشست را بالا برد، مساله مشارکت قدرت های نوظهور جهانی در امنیت جهانی بود. در همین راستا از جمله حضور مقامات هند در این نشست و دیدار با سران ناتو در کانون توجهات جهانی قرار گرفت و آندره فوگ راسموسن دبیر کل وقت سازمان ناتو در دیدار با شیوشاکار منون مشاور امنیت ملی هند به بحث در خصوص راه های همکاری و مشارکت در برخورد با تهدیدات نوین منطقه ای و جهانی پرداختند. از دید کارشناسان ناتو، هند به عنوان یک قدرت بزرگ و نوظهور جهانی دارای ظرفیت نظامی و لجستیکی بالایی در کمک به پروژه صلح و امنیت جهانی برخوردار است؛ به خصوص نزدیکی هند به کانون های بحران های عمیق جهانی از جمله افغانستان، آسیای مرکزی و جنوب غرب آسیا، نقش و جایگاه این کشور را در تامین امنیت جهان ارتقا داده است. از سوی دیگر ناتو مطابق با راهبرد نوین خود، مفهوم نوین استراتژیک، که با عنوان «مشارکت فعال، دفاع مدرن» در سال ۲۰۱۰ میلادی و برای دهه دوم قرن بیست و یکم در ۱۱ صفحه و ۳۸ بند به تصویب اعضا در نشست لیسبون رساند، بر حفظ، تقویت و گسترش صلح جهانی از طریق همکاری های جهانی تاکید دارد. در این زمینه و از منظر کارشناسان غربی، هند که پایه ثبات و نمونه موفق دموکراسی غربی در منطقه جنوب آسیا شناخته می شود، شریکی در دسترس برای راهبرد نوین ناتو در تعهد به حراست از آزادی، حقوق بشر، صلح جهانی و حاکمیت قانون در ادبیات لیبرال دموکراسی غربی است و مدل حکومتی هند بیش از سایرین در منطقه، با راهبرد های امنیتی غرب هم خوانی فکری و ایدئولوژیک دارد. با چنین پیش زمینه فکری، طرفین در سال های اخیر به گسترش زمینه های همکاری در ابعاد های مختلف و مشخص پرداخته اند.

#### ۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

هر چند در یک تبیین تاریخی دولت هند بعد از جنگ سرد از رویکرد سنتی عدم تعهد به رویکرد مشارکت و اتحاد روی آورد اما با گذشت سال ها پس از فروپاشی شوروی، هند در دوره جدید بیش از پیش به دنبال بازیابی نفوذ تاریخی و قدرت منطقه ای خود است و در این مسیر، رهبران هند الگوی مشارکت با سازمان های جهانی را موثرترین راه در مسیر این هدف در نظر گرفته اند. از این رو نه تنها ناتو به عنوان یک سازمان پیروز از نبرد تاریخی با همتای جهانی اش در پایان قرن بیست و یکم بیش از گذشته به گسترش حوزه نفوذ منطقه ای خود پرداخته و در واقع یک سازمان جهانی به شمار می آید بلکه در راهبرد های نوین خود، حفظ امنیت و گسترش حاکمیت

ارزش های لیبرال دموکراسی و بازار آزاد را به عنوان راهبرد اصلی بسیاری از کشور ها از جمله هند را در پیش گرفته و لذا هند امروز بیش از همیشه به آن نیاز دارد. با توجه به این که ناتو نیز در مفهوم بخشی به رویکرد جهانی اش به دنبال همکاری و هم گرایی با قدرت های بزرگ و نوظهور جهانی است، در نتیجه هم پوشانی منافع طرفین و ایجاد یک معادله ی برد - برد، در روابط ناتو و هند برقرار شده است (Helbig, 2012: 2). با تفسیر فوق مقاله حاضر تلاش دارد به این پرسش ها پاسخ دهد که رابطه هند و ناتو چگونه است؟ و این رابطه چه تاثیری بر امنیت ملی ج. ا. ایران دارد؟ نویسندگان در این مقاله با تاکید بر این فرضیه که «ناتو با تقویت همکاری و شراکت راهبردی در منطقه غرب آسیا با کشور هند به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی و تکنولوژیک، به دنبال تامین امنیت و گسترش هژمونی در این منطقه با هدف کنترل ج. ا. ایران و جمهوری خلق چین است که در کنار تهدید ها، فرصت هایی را نیز برای کشورمان دارد» و از ضروریات دستگاه های مرتبط با امنیت ملی کشور است که آن ها را مورد واکاوی و شناسایی قرار دهند.

#### ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

قابل ذکر است این مقاله با هدف پر کردن خلا موجود در ادبیات در مورد روابط هند و ناتو در داخل کشور به تحریر در آمده و تلاش دارد فعالیت های این دو کنش گر فعال در منطقه و بین الملل را با رویکرد های جدید، تبیین نماید. ضرورت آن عبارت است از این که نه تنها ناتو به عنوان شانزد همین همسایه آبی و خاکی ایران، بیش از پیش به کشور نزدیک شده است بلکه هند نیز با نفوذ تاریخی و سنتی خود در برخی از کشورهای همسایه مان و ارتباط تاریخی با ایران، نقشی حیاتی در امنیت ملی کشورمان دارد. هم چنین ضروری است مطالعات مرتبط با موضوعات امنیتی، زمینه های جدید بحران زایی برای کشور را مورد شناسایی و در اختیار مسئولان قرار دهد.

#### ۱-۳- روش تحقیق

این پژوهش از نوع نظری و بنیادی است که اطلاعات آن با استفاده از منابع کتابخانه ای، اینترنتی، رسانه ها و اسناد ناتو جمع آوری شده است. شیوه تحلیل با توجه به ماهیت توصیفی - تحلیلی آن از نوع تحلیل کیفی و مبتنی بر عقلانیت انتقادی است.

#### ۱-۴- پیشینه تحقیق

قابل ذکر است تاکنون پژوهش های ارائه شده در مورد موضوع مقاله حاضر، از جامعیت کافی در بررسی روابط پر دامنه ناتو و هند برخوردار نبوده اند. هم چنین شرایط و موقعیت هر دو بازیگر

در مقایسه با دوره های گذشته بسیار متفاوت شده است؛ چرا که هرچند در دوره تسلط ادبیات جنگ سردی ناتو و هند نگاه تهدید آمیز و رقابت محوری نسبت به یک دیگر داشتند و منافع و موقعیت هر دو بازیگر بسیار فاصله و شکاف داشت اما در دهه دوم قرن بیست و یکم این وضع به کل دگرگون شده و اتحاد و همکاری، جای واگرایی را گرفته و منافع هر دو بازیگر کاملاً هم پوشانی پیدا کرد و این هم گرایی راهبردی با موقعیت ژئواستراتژیک هند و منافع و اهداف این کشور کاملاً هم خوانی یافت؛ از این رو با گذشت زمان بر عمق دوستی و اتحاد طرفین افزوده شده و هر دو کشور در سال های اخیر با درک منافع و تهدیدات متقابل روی به همکاری نزدیک سیاسی و امنیتی آورده اند؛ مساله ای اساسی که در ادبیات پژوهشی در این زمینه در داخل کشور مغفول واقع شده است.

## ۱- چارچوب نظری پژوهش

### ۱-۱- مدل مفهومی پژوهش



۲-۲- مفهوم نوین امنیتی ناتو برای دهه دوم قرن بیست و یکم: در سال های آغازین اولین دهه از قرن ۲۱، هیچ قدرتی به عنوان قدرت کاملاً مسلط حداقل در بعد نظری نبود و لذا بسیاری از استراتژیست ها معتقد بودند با توجه به رقابت های موجود در آن سال ها، تصور جهان تک قطبی چندان هم به واقعیت نزدیک نشد. شرایط موجود را حادثه تروریستی یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ ویژه تر نمود و در نتیجه در سال های بعد، راهبرد های ناتو بیش از پیش دگرگون شد. پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر و درگیری رو به رشد ناتو در افغانستان این موضوع که آیا ناتو نیاز به یک مفهوم نوین امنیتی دارد، مطرح شد. ریشه شکل گیری جدید ترین مفهوم نوین امنیتی

ناتو به پافشاری های چاپ دو هوپ شفر، دبیر کل وقت ناتو در سال ۲۰۰۶ بر می گردد. او گفت: «در سال ۲۰۰۸ و حتی فراتر از آن در سالگرد ۶۰ سالگی مان در سال ۲۰۰۹ من پیش بینی می کنم که ایده تهیه پیش نویس حرکتی فراگیر می شود؛ سندی اساسی که راهبرد بزرگ ناتو را ترسیم می کند» (Ringsmose and Rynning, 2011:5). در سالگرد شصتمین نشست پیمان، حاضرین پیگیری تعریف مفهوم نوین را به وزیر سابق امور خارجه آمریکا، مادلین کوریل آلبرایت سپردند. لذا گروهی دوازده نفره از کارشناسان زیر نظر وی تشکیل و پس از برگزاری سمینارها و مذاکرات متعدد، گزارش خود درباره ارزیابی از محیط امنیتی جهان با تشریح مسایل کلیدی، انتخاب های استراتژیک، شناسایی نقاط هم گرایی با پتانسیل تبدیل به سیاست رسمی ناتو را در اواسط ماه مه ۲۰۱۰ با عنوان «ناتو ۲۰۲۰: امنیت تضمین شده، درگیری پویا» ارائه دادند. ویتمن ادامه می دهد، هرچند سند اعلامی مورد اجماع عمومی نبود، اما باید پذیرفت که گروه آلبرایت وظیفه اش را در «بازگشایی مسایل اساسی» به خوبی انجام داد (Wittmann, 2011:36). سپس فرایند وارد فاز سوم خود به پایان رسیدن مرحله پیش نویس و مذاکرات نهایی شد. در این مرحله، آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل سابق از نزدیک با دنبال کردن کار گروه آلبرایت، خود پیش نویس اولین نسخه مفهوم راهبردی نوین را به عنوان پایه مذاکرات نهایی در شورای آتلانتیک شمالی، تهیه نمود (Ringsmose and Rynning, 2011:14) و آماده طرح در نشست لیسبون گردید. مفهوم نوین راهبردی ناتو مصوب لیسبون به عنوان پایه نسل سوم ناتو که در بسیاری جهات بلند پروازانه است، سندی مشتمل بر ۱۱ صفحه و ۳۸ بند بوده که یک چارچوب جامع برای تحول و معرفی تعداد گسترده ای از طرح های مناسب برای توسعه ابزارهای سیاسی، نظامی و غیرنظامی جدید برای ناتو را برای دهه دوم قرن ۲۱ ترسیم می کند. اگر چه مفهوم نوین به تدوین تصمیمات گذشته و انسجام فعالیت های گاه نامتجانس مانند سایر مفاهیم راهبردی پرداخته، اما کار ویژه اصلی «مشارکت فعال، دفاع مدرن» یک جهت گیری راهبردی جدید می باشد (Ringsmose and Rynning, 2011:9).

آن چه در مورد مفهوم نوین مورد توجه مقاله حاضر است، تاکید در مقدمه سند بر تمام تلاش برای معرفی سیاسی و جهانی تر از ناتو است. مفهوم بر «ماده ۵» با تفکری جهانی در پشت آن تاکید دارد، تفکری که ریشه در واقعیت های سال های پایانی آخرین دهه از قرن بیستم و سال های آغازین اولین دهه قرن بیست و یکم دارد؛ چرا که هر چند گسترش جغرافیایی ناتو به سمت شرق در آن سال ها با مخالفت های شدید روسیه، چین و حتی هندوستان همراه بود، اما چربیدن قدرت

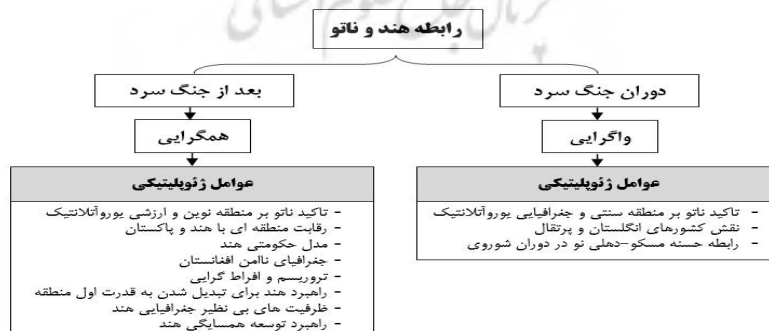
ناتو بر مخالفین باعث ادامه روند گسترش جغرافیایی ناتو شد و از مخالفین نیز کار چندانی ساخته نبود. در این زمینه، مانند همیشه بدیهی شد که ناتو باید «حفاظت و دفاع کند» اما امروزه علیه تهدیداتی از قبیل تروریسم، گسترش تسلیحات و جنگ سایبری که می دانیم هیچ «مرز جغرافیایی» مشخصی ندارند. جمله کلیدی «تهدید متعارف و معمولی را نمی توان نادیده گرفت»، تأکید مؤکد مفهوم نوین در مقدمه است. سپس سند تعیین تهدیدات غیر متعارف را آغاز می کند؛ شروع با تسلیحات هسته ای و گسترش آن، انشعاب تروریسم، بی ثباتی، قاچاق، حملات سایبری و تهدیدات کانال های حیاتی ارتباطات، حمل و نقل و مبادله. این اهمیت «چالش های امنیتی در حال ظهور» را نشان می دهد که اساس رویکرد نوین مفهومی ناتو برای دهه حاضر است. در جمع بندی مفهوم نوین امنیتی ناتو که در اجلاس سران ناتو در سال ۲۰۱۴ در ولز انگلستان نیز مورد تأیید مجدد قرار گرفت، گفتنی است در این مفهوم تلاش شد تا گام مهم رو به جلوی دیگری برای ناتو در تطبیق با ژئوپلیتیک غیر قابل پیش بینی و بسیار پیچیده عصر حاضر برداشته شود و پیمان هم چنان خود را به عنوان کنش گری فعال در ژئوپلیتیک جهانی حفظ نماید (Toje, 2008: 29).

۲-۳- نظریه هم گرایی: نظریه هم گرایی به دنبال توضیح چگونگی شکل گیری و توسعه حکمرانی فراملی است (Diaz and Wiener, 2004: 7) و به این اشاره دارد که چگونه و چرا دولت ها از داشتن حاکمیت کامل دست می کشند و یا از بخشی از خواست و اراده تام خود گذر می کنند؛ چگونه و چرا داوطلبانه با همسایگان خود و دیگر دولت ملت ها به گونه ای همکاری کرده که گاه ویژگی های اصلی حاکمیت را از دست می دهند؛ یا از میزان و درجه غلظت حاکمیت ملی آن ها کاسته و در عین حال، فنون جدیدی را برای حل اختلاف ها میان خود به دست می آورند. گفته می شود بنای این مفهوم از تجربه جامعه اروپا گرفته شده است و بعد از تجربه موفق همکاری در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا بحث هم گرایی به دیگر مناطق جهان تسری یافته است. کانون توجه این نظریه فرآیندی است که طی آن وفاداری از جانب یک کنش گر به کنش گر یا سایر کنش گران معطوف می گردد. به طور کلی به اعتقاد نظریه پردازان هم گرایی، کشورها هنگامی رفتار هم گرایانه در پیش خواهند گرفت که پیش بینی کنند با فرصت ها و تسهیلات مشترکی روبرو خواهند بود و هم چنین به توانایی در درونی سازی فرایند هم گرایی بستگی دارد (Crossman, 2017). ارنست هاس از متفکران اصلی نظریه هم گرایی معتقد است در واقع هم گرایی فرایندی که به وسیله آن رهبران سیاسی متقاعد می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی آن ها به سمت مرکز جدیدی که در نهاد هایش دارای اقتدار قانونی یا خواهان اختیارات قانونی دولت ملت ها باشد سوق

دهند (Hass, 2000) و اکثر نظریه پردازان قرابت زیادی با این تعریف دارند؛ اگر چه ممکن است در برخی حوزه ها اختلافاتی وجود داشته باشد. هم گرایی را به بهترین وجه باید به صورت یک فرایند تجزیه و تحلیل کرد. زیرا حرکتی گام به گام در زمینه افزایش همکاری میان دولت ها است. پیشرفته ترین حالت هم گرایی وضعیتی است که در آن دولت ها به صورت فدراتیو در مقیاس کلی ظاهر شده و زمینه را برای ایجاد حکومت جهانی فراهم می کنند. بنابراین می توان، توسعه نظام بین الملل را براساس میزان پیشرفت هم گرایی ارزیابی کرد (Asten, 2016). از لحاظ سطح تحلیل، سه سطح را باید برای مطالعه هم گرایی در روابط بین الملل در نظر گرفت. اول، هم گرایی در سطح نظام است که اشاره به فرآیندی دارد که به موجب آن دولت ها بخشی از قدرت تصمیم گیری سیاسی، اقتصادی و حقوقی را به نهاد های فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می دهند. این وضعیت ممکن است باعث بهبود کیفیت حکومت داری داخلی و جهانی شود و ضمن بالا بردن کارایی عملا پایه رفتارهای جمعی را تقویت کند. برخی از محققان، سازمان ملل را نمونه بارزی از هم گرایی در سطح نظام تلقی می کنند. دوم، هم گرایی منطقه ای است که طی آن تعدادی از دولت هایی که در مجاورت با یک دیگر قرار دارند، گرد هم آمده و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال مانند اتحادیه اروپا را به وجود می آورند. سوم، به ویژگی ساختاری دولت ها بستگی دارد که برخورداری واحد های سیاسی از درجه بالای توسعه اقتصادی، فناوری، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی بر فرآیند هم گرایی تاثیر به سزایی دارد (قوام، ۱۳۹۲: ۴۴). اتحاد دولت هایی مثل چین، هند و روسیه در بریکس نمونه این مدل همکاری است.

### ۳- یافته های پژوهش

#### ۳-۱- ژئوپلیتیک: عنصر راهبردی در روابط هند و ناتو



شکل ۱: عوامل ژئوپلیتیکی موثر در رابطه هند و ناتو

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر در ژئوپلیتیک جهانی، سیاست خارجی هند با تحول و دگرگونی بنیادی روبرو شد. این کشور از اصل عدم تعهد به سمت تعهد و همکاری با قدرت های جهانی حرکت کرد. در نتیجه این امر، منافع ملی بر ارزش های ایدئولوژیک در دستگاه سیاست خارجی هند ارجحیت پیدا کرده و منافع ملی چراغ راهنمای حرکت سیاست مداران هندی شد؛ هرچند باید گفت که این امر به مفهوم رویگردانی کامل از سیاست سنتی گذشته نبود و به نوعی به روز کردن راهبرد عدم تعهد در هند است چرا که دولت هند کماکان بر مبانی این سیاست هم چون استقلال و صلح وفادار ماند (Scott, 2012). مقامات هند با حفظ پایه های عدم تعهد به سمت هم گرایی جهانی و استفاده از ظرفیت های اقتصاد بین الملل برای رشد و توسعه همه جانبه کشورشان رفتند. بدیهی است که در این هم گرایی، آمریکا به خاطر برتری های نظامی و اقتصادی در کانون توجه دولتمردان هند قرار گرفته و برقراری روابط نزدیک با آمریکا، ورود سرمایه گذاری های خارجی و تامین انرژی مورد نیاز برای اقتصاد هند را تسهیل می کند؛ آمریکایی که با تامین نزدیک به هفتاد درصد بودجه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و وابسته کردن امنیت اروپا به پشتوانه مالی و نظامی ایلات متحده، نقشی بی نظیر و حیاتی در ناتو دارد. در حالی که نیمه دوم قرن بیستم به عنوان تاریخ دشمنی و واگرایی در روابط هند و ناتو شناخته می شود اما، در قرن ۲۱ شاهد گرمی و همکاری این دو کنش گر ژئوپلیتیکی هستیم. هم واگرایی و هم هم گرایی هند در ارتباط با ناتو، متأثر از کنش گری سیاست جغرافیایی و به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک است. در زمینه علل ژئوپلیتیکی واگرایی هند و ناتو در نیمه دوم قرن بیستم باید گفت که:

(۱) با توجه به تاریخ شکل گیری ناتو، بدیهی است که زمینه فعالیت و عملیات ناتو به طور سنتی در اروپا و آتلانتیک شمالی است. این امر در طی نزدیک به نیم قرن دوره جنگ سرد به وضوح دیده شد که ناتو مأموریت و رسالت اصلی خود را حراست از این منطقه و به ویژه اروپا در نظر گرفته بود و در این راهبرد حدافلی، رهبران ناتو نیازی ضروری برای ورود کشورهای جدید از جمله هند به دکترین امنیتی شان در آن سال ها نمی دیدند (Rizzo, 2007)، چرا که هم بستگی متحدان داخلی در آن روزها کافی بود.

(۲) در دهه ۱۹۵۰ میلادی همکاری ناتو با هند به دلیل حضور و نقش پررنگ کشور انگلستان و حتی پرتغال به دلیل سابقه طولانی استعماری آن ها در هند از بین رفت چرا که این دو کشور و به ویژه انگلستان به دنبال حفظ نفوذ سنتی اش در شبه قاره هند بود (Scott, 2012:4).



۳) باید به افزایش رابطه راهبردی دهلی نو با مسکو به عنوان یکی از مهم ترین فاکتورهای اساسی در افزایش شکاف میان ناتو و هند در آن سال ها اشاره شود. نزدیکی هند به شوری، به صورت ناخواسته هند را از بلوک امنیتی غرب دور و در طی این سال ها هند به سمت تقویت رابطه با مسکو سوق داد. این وضعیت حتی تا بعد از جنگ سرد نیز تداوم یافت و سران هند کماکان منتقد رویکرد تهاجمی ناتو در کشورهای اروپای شرقی به خصوص در کوزوو به دلیل فقدان مجوز شورای امنیت بودند. ناتو طی این سال ها خود را بالاتر از منشور سازمان ملل در نظر می گرفت. این مساله برای دولتمردان هند قابل قبول نبود و از دید آن ها در آن سال ها، ایفای نقش پلیس جهانی وظیفه ناتو و آمریکا نیست (Krienger, 2001:439).

در زمینه هم گرایی رابطه هند و ناتو در نیمه اول قرن بیست و یکم و به طور مشخص بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی نیز گفتنی است سیاست های جغرافیایی دو طرف نقش اساسی در نزدیکی آن ها بر عهده داشت و مجدداً عامل جغرافیا در روابط این دو کنش گر، موثر و پویا بود چرا که: ۱- با گسترش حاکمیت بیش از پیش ارزش های لیبرال دموکراسی و بازار آزاد در کشور هند در شرق نقشه های جغرافیایی، این کشور هر روز به غرب جغرافیایی و ادبیات سیاسی و اقتصادی آن ها نزدیک تر می شد و لذا تعامل ها در طول و عرض بیش از پیش میان این کشور دموکراتیک با کشورهای عضو در سازمان دموکراسی سالار ناتو بدیهی می گشت. ۲- رقابت ها و تضاد های منطقه ای هند با برخی همسایگان از جمله چین و پاکستان روز به روز گسترده تر شده و رهبران هندی، نزدیکی به قدرت های فرا منطقه ای را بیش از پیش در دستور کار قرار دادند و در این راهبرد کنش گری قدرتمند با ادبیات سیاسی اقتصادی مشترک با هند در نزدیکی و همسایگی این کشور یافت نمی شد و لذا نگاه ها در هند به سمت جغرافیای غربی جهان و ناتو متمایل گردید (Sibal, 2003:3). دولتمردان و نخبگان هندی بر این باورند که در فضای جدید بین المللی و با در نظر گرفتن ظهور قدرتمند اقتصادی و نظامی چین و حکومت های بی ثبات در پاکستان و به ویژه افغانستان و هم چنین پاکستان هسته ای و بی ثبات، منافع مشترکی با راهبرد نوین ناتو دارند (Kumar, 2009). ۳- ناتو پس از سال های جنگ سرد تلاش کرد منطقه جغرافیایی خود را به منطقه ارزشی تبدیل کرده و با توجه به مرز ناپذیر بودن مفهوم «ارزش»، حوزه جغرافیایی خود را با توجه به برنامه های خود تغییر و گسترش دهد چرا که چالش های فرا آتلانتیکی ناتو نیاز به پاسخ و در فضای جغرافیایی عملیات به مراتب گسترده تر از گذشته پیدا کرده بود. راسموسن دبیرکل وقت

ناتو در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۰ این مساله را مورد بررسی قرار داد که ناتو در قرن بیست و یکم به دنبال هم‌گرایی جهانی است. وی گفت در نظام امنیتی جهانی شده، بایستی تامین امنیت را در ورای مرزها جست و جو کرد. موفقیت ما در گروه حفظ امنیت مشترک مان است و این رسالتی است که ناتو باید با همکاری سایر شرکا به آن دست یابد (Rasmussen, 2010). کلاديو بيسوقنيرو معاون دبیرکل سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ استدلال کرد که ناتو امروزه بدون شراکت با سایر قدرت‌های جهانی غیر قابل تصور است (NATO, 2010). در نتیجه ناتو شروع به عضویت کشورهای جدید و مهم به صورت عضویت دائم و یا طرح‌های همکاری جویانه مثل مشارکت برای صلح، ابتکار همکاری استانبول و طرح تماس کشورها کرد. با این تاکتیک‌ها، ناتو خود را از یک سازمان منطقه‌ای، بدون مجوز به یک سازمان فرامنطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد و این تحول به طور رسمی به وسیله‌ی وزرای خارجه اعضای ناتو در جلسه ریکزاویک در ماه می سال ۲۰۰۲ میلادی مورد تصویب قرار گرفت (Gholami, 2013) و برای اولین بار ایو دالدر نماینده آمریکا در ناتو مفهوم «ناتو جهانی» را مطرح کرد و گفت «ناتو در دو عرصه جغرافیایی و عملیاتی جهانی شده است. حرکت بعدی ناتو باید پذیرش کشورهای دموکراتیک جهان باشد» (Daaldar, 2006: 104)؛ با این تفسیر، هند نیز با تغییر راهبرد هایی که در سیاست خارجی خود در حال اعمال داشت بیش از هر زمان دیگری به این سازمان نزدیک شد. ۴-چنانچه هاید پرایس می گوید: «امروز ترویست‌های متولد ریاض در قندهار آموزش می بینند و توطئه‌ی مرگبار کوبیدن هواپیما به برج‌ها در نیویورک را در هامبورگ آلمان می چینند. این تسلسل و به هم پیوستگی حاکی از آن است که تحولات در یک نقطه‌ی جغرافیایی، امنیت، آسایش و رفاه شهروندان در دیگر نقاط جغرافیایی جهان را متأثر می سازد. لذا بهترین و تنها دفاع موثر در مقابل چنین خطرات دور دستی، خنثی کردن آن‌ها در نطفه شان است» (Hyde-Price, 2011: 45)؛ لذا با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، ترس از خدشه به امنیت و با توجه به موج‌سازی رسانه‌ای کم‌نظیر غربی‌ها در آن برهه، قریب به اتفاق کشورهای جهان از جمله هند را به نابودی جغرافیایی ناامن جهان در نزدیک‌ترین فاصله به مرزهای هند متمرکز کرد و نقشه جغرافیایی افغانستان، عامل هم‌گرایی دیگری در روابط ناتو و هند گردید. در این زمینه، دولت هند برای اولین بار پیشنهاد همکاری با ناتو را در سال ۲۰۰۱ به طور غیررسمی به این سازمان داد. این امر که به خصوص مربوط به بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر است، ناتو را با هند بر سر مساله نابودی طالبان در افغانستان به سمت همکاری نظامی نیز در نهایت سوق داد تا جایی که تاکنون دولت هند، برخلاف عملیات ناتو در کوزوو از مجوز شورای امنیت و نهاد‌های بین‌المللی برای عملیات ناتو

در افغانستان، نه تنها انتقاد نکرد بلکه دفاع نیز کرد و این، سبب افزایش مشروعیت ناتو در نزد هندی ها شد (Sibal, 2003). با تفسیر فوق، ناتو نه تنها فعالیت اش را به خارج از مرزهای آتلانتیک هدایت کرد بلکه در نحوه عملیات و راهبرد های دفاعی و نظامی نیز متحول شد چراکه راهبرد امنیتی ناتو از شکل واکنشی به پیش گیرانه تغییر یافت. مطابق مفهوم راهبردی نوین ناتو، بحران و منازعات فراسوی مرزهای ناتو می تواند تهدیدی مستقیم بر امنیت سرزمینی کشورهای اعضای ناتو باشد و لذا ناتو هم چنین این نقش را برای خود قائل شد که «هر کجا» و «هر زمان» احساس تهدید کند برای کنترل و مدیریت بحران ورود کند. در مجموع مفهوم پیش گیرانه توجیه گر اقدامات ناتو تحت عنوان دفاع از خود در مناطق مختلف دنیا شد (Yost, 2007: 42). ۵- عامل ژئوپلیتیکی تروریسم، نقشی حیاتی در هم گرایی ناتو و هند دارد؛ ناتو با تغییر اساسی در ابزارها و رهیافت ها، روش های نوینی را برای رسیدن به هدف ژئوپلیتیکی تسلط بر سرتاسر جهان استخراج کرد که از آن جمله «مبارزه با تروریسم» بود؛ مساله ای که در آن برهه و پس از حملات تروریستی به برج های دو قلو در آمریکا با پشتیبانی رسانه های غربی به اولویت اول و آخر غریب به اتفاق کشورهای جهان از جمله هند بدل گردیده بود؛ ترس از جهان نا امن تمامی کنش گران سیاسی را در زمین بازی آمریکا در ناتو آورد و هند نیز از این قاعده مستثنی نبود چرا که دولت هند نیز مواجه با تهدیدات متنوع تروریستی و مرزی است. دهلی نو با در نظر گرفتن این تهدیدات، در تلاش است با افزایش دامنه همکاری با ناتو و به ویژه آمریکا، بر بحران های پیش رو غلبه نماید. نارندا موندی در سفر اخیرش به آمریکا اعلام کرد که دولت هند بنای سیاست خارجی اش را بر دوستی و نزدیکی با آمریکا گذاشته است. در برابر ترامپ رئیس جمهوری آمریکا نیز با پرده برداری از رویکرد جدید آمریکا در افغانستان از نقش ثبات بخش هند در تحولات سیاسی و نظامی این کشور تقدیر کرد و از لزوم تقویت بنیه دفاعی و نظامی هند در زمینه مبارزه با تروریسم در منطقه خبر داد. دولت آمریکا هم چنین برای جلب رضایت بیشتر دولت هند، گروه نظامی حزب المجاهدین را در لیست گروه های تروریستی قرار داد (Upadhyay, 2018: 1). ۶- با آغاز قرن ۲۱، راهبرد اصلی هند در سیاست خارجی بدل شدن به نقش اول در منطقه آسیا، تعریف شد و در این زمینه نیاز هند به هم گرایی و حمایت های بین المللی در آسیا که دارای مناطق ژئوپلیتیکی متعدد با درجه حساسیت های متنوع نیز است، برای کسب این جایگاه ضروری بود. یاشوانت سینها وزیر خارجه وقت هند اعلام کرد که «هدف نخستین رویکرد هند طی سال های اخیر تبدیل شدن به قدرت مرکزی در منطقه است. ما این ایده و تفکر را

به همسایگان هند انتقال داده ایم. میان منافع یک رابطه دو طرفه برقرار است. منافع استراتژیک با منافع امنیتی و نظامی ارتباط تنگاتنگ دارد و هر یک دیگری را ارتقا می دهد. امروزه حوزه امنیتی هند فراسوی حوزه سنتی جغرافیایی اش در جنوب آسیاست. مفهوم همایسگان دور و نزدیک، به صورت هوشمندانه نشان گر حس جاه طلبی و افزایش نقش و جایگاه راهبردی این کشور در مناطق پیرامونی اش است (Dutt, 2009)؛ این گونه است که حوزه اشتراکی هند با ناتو نیاز مبرم این کشور به حمایت های مادی و معنوی این سازمان و بازیگران اصلی اش را آشکار می نماید. ۷- ظرفیت های بی نظیر جغرافیایی هند نظیر وسعت سرزمینی، جمعیت، منابع طبیعی و ... نیز نقش ویژه ای در فراهم شدن زمینه هم گرایی این کشور با ناتو داشته اند. اندیشمندانی هم چون فولکارت و هاید پرایس در خصوص استقرار یک شبکه امنیتی با کلیه کشورها و سازمان های جهانی دارای ظرفیت های اقتصادی و اهمیت های جغرافیایی صحبت کرده اند. از سوی دیگر شخصیت های سیاسی در ناتو مثل جیمز شیا معاون دبیرکل وقت ناتو در حوزه چالش های اضطراری امنیتی، از لزوم تحول در سازمان و هم گرایی با سایر بازیگران نو ظهور اقتصادی و نظامی سخن گفته اند (Baltes, 2011: 19). در این زمینه بدیهی است که کشور هند با توجه به ظرفیت های جغرافیایی از جمله وسعت، جمعیت و اقتصاد به نسبت قدرتمند در کانون توجه ناتو قرار گیرد. البته در تحلیل این موضوع نباید فاکتور سیاسی و شکل حکومتی دموکراتیک هند به عنوان بزرگترین دموکراسی جهان که جذابیت این کشور را برای غرب دو چندان کرده است، فراموش کرد. ۸- مساله بعدی، راهبرد ژئوپلیتیکی توسعه همسایگی هند است. تغییرات در نظام بین الملل و ظرفیت های جغرافیایی این کشور همراه با قدرت سیاسی و نظامی اش، نگاه رهبران هند را نسبت به همسایگان و مناطق پیرامونی تغییر داده است. هند در این راهبرد در تلاش برای توسعه و گسترش روابط دوستی با قدرت های مهم منطقه ای و حضور فعال در این مناطق است. شکار دوت وزیر دفاع هند گفت که «محیط امنیتی هند از خلیج فارس تا تنگه مالاگا در کل اقیانوس هند کشیده شده است. این محیط منطقه ای ناگزیر ملاحظات نظامی و امنیتی نیز برای هند در بر دارد». توسعه همسایگی هند طیف وسیعی از کشورها از کانال سوئز در غرب آسیا، خلیج فارس، آسیای مرکزی و حوزه اقیانوس هند، دریای مدیترانه و ... را در بر دارد و از آن جا که تمامی این مناطق از مهمترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان به شمار آمده و ناتو نیز در تمامی آنها دغدغه مند است لذا هند و ناتو بار دیگر به هم می رسند. هم چنین قابل ذکر است که هند برای توسعه نفوذش در پی گسترش حضورش به سمت غرب است و جالب اینجاست که ناتو نیز به دنبال حضور موثر در نوار شرقی است و این جاست که حوزه تلاقی منافع دو طرف برقرار می

شود. به این ترتیب، ارتباط و جایگاه بالای نظامی و امنیتی هند، اهمیت این کشور را در راهبرد بزرگ امنیتی ناتو برای نظم بخشی به ثبات منطقه بیشتر کرده است. به تعبیری دیگر، ناتو هند را کانال ورود خود به برخی از مناطق فوق می داند (Mod, 2007: 9).

**۳-۲- ناتو- هند؛ مشارکت و همکاری برای آینده:** از سال ۲۰۰۱ میلادی تمرکز عمده ناتو بر خروج از حوزه آتلانتیک و جهانی کردن ماموریت ها و رسالت هایش است. این نگاه و دکترین جدید ناتو، باعث رویارویی و مواجهه این سازمان با قدرت های نوظهوری هم چون هند شده و هند در کانون توجهات ناتو قرار گرفته است. از سوی دیگر، رویکرد رو به شرق ناتو هم زمان با رویکرد رو به غرب هند شده که بیش از پیش، با توجه به زمینه هایی که در بالا ذکر آن رفت، تلاقی و اشتراک منافع طرفین جهت گسترش و تعمیق روابط را پدید آورد و دو طرف راهبرد هم گرایی را در روابط ژئوپلیتیکی خود انتخاب نمودند (Fruhling and Schreer, 2011). با تاکید ویژه بر عنوان مقاله حاضر، آمادگی ناتو برای مشارکت در طرح صلح افغانستان و اعزام نیروهای موسوم به ایساف از آگوست سال ۲۰۰۳، نشان داد که ناتو برنامه ای جامع و بلند مدت برای حضور در منطقه مهم شبه قاره هند دارد. این ماموریت بارها از سوی شورای امنیت سازمان ملل مورد تایید و تمدید قرار گرفت و آخرین بار نیز در سال ۲۰۱۰ شورای امنیت برای یک سال دیگر، حضور این نیرو ها را در افغانستان تمدید کرد. ناتو اعزام نیرو به افغانستان را به عنوان تحول در دستور کارش و آغاز اتحاد در داخل سازمان برای آمادگی در ماموریت های صلح در قرن ۲۱ اعلام کرد. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۷۷۶ تلاشی مهم برای مشروعیت بخشی به عملکرد نیروهای بین المللی حاضر در افغانستان کرد و ناتو را در اوج اعتبار و مشروعیت برای برعهده گرفتن رهبری نظامی در قرن جدید میلادی بر اساس ضوابط حاکم در روابط بین الملل قرار داد. در همین راستا ناتو نیز با امضای توافقات مهم و متعدد امنیتی با دولت کابل، توانست زمینه ارتباط بیشتر ناتو با کشورهای مهمی هم چون هند را ایجاد کند (Bhadrakumar, 2010). طبیعی است که استفاده از کشورهای همسایه افغانستان هم چون پاکستان و هند در اولویت برنامه های ناتو باشد. از دید کارشناسان ناتو، حل چالش افغانستان در گرو مشارکت همگانی است و این مهم در وهله ی اول نیازمند همراهی دو کشور ذی نفع پاکستان و هند است. ناتو برای همین منظور تمرین های مشترکی را نیز با هند را در دستور کار خود قرار داد (Bhadrakumar, 2007). در همین راستا در ژوئن سال ۲۰۱۱، هند و افغانستان موافقت نامه همکاری امنیتی امضا کردند که طی این توافق وزارت دفاع هند عهده دار

آموزش نظامی سربازان افغانی در مبارزه با طالبان شده است. در سپتامبر ۲۰۱۱، ناتو از هند به عنوان یک شریک در دفاع موشکی بالستیک دعوت به عمل آورد (Subramanian, 2012). مقامات بلند پایه ناتو به رهبران هند اعلام کردند که «دموکراسی با چالش‌هایی مواجه است که مشترک هستند، ما باید با هم کار کنیم و آن‌ها را حل کنیم و به طور فردی نمی‌توان با این تهدیدها رو به رو شد؛ یک از آن‌ها تهدید موشکی است که می‌توان به ما و شما تحمیل شود...» (PTI, 2012). ساراس وات، معمار برنامه موشک‌های بالستیک هند در پاسخ اعلام کرد، «ما این گزارش را تحلیل می‌کنیم؛ این در حال بررسی است» (Subramanian, 2012). دالدر سفیر ناتو و آمریکا در هند نیز به طور رسمی پیشنهاد کرد که هند باید به نقش جهانی خود بیفزاید و برای این باید به ناتو بپیوندد. وی هم چنین معتقد است که گفت‌وگوهای ناتو با هند در مورد چگونگی مفهوم هند از امنیت خود و امنیت بین‌المللی و مطابقت آن با مفهوم امنیت بین‌المللی ناتو و این‌که چگونه این دو کنش‌گر بین‌المللی برای ارتقای امنیت با یکدیگر همکاری کنند، آغاز گردد (Jargan Post, 2012). بوریس ولکنسکی از موسسه تحقیقات استراتژیک روسیه نقل کرده است که یک متحد مانند هند برای ناتو، دست‌های واشنگتن را در جنوب و جنوب غربی آسیا و دیگر مناطق جهان را باز خواهد کرد. اکثر تحلیل‌ها در ارتباط با نزدیکی هند و ناتو به ترس مشترک از «ازد‌های در حال ظهور» یا چین می‌پردازند (Akhtar, 2017). اسکوت نیز معتقد است که بدین رو دکترین جهانی هند به سمت هم‌گرایی و مشارکت همه‌جانبه با بلوک اقتصادی و نظامی ناتو تغییر مسیر داد و هند به شریک راهبردی ناتو تبدیل خواهد شد. گرچه این رویکرد با اصول و منشور اخلاقی لعل‌نهر و منطبق نبود اما باعث افزایش قدرت داخلی هند در قیاس با گذشته می‌شد. البته تأکیدات گاندی بر تفوق هند بر جنوب آسیا به نوعی مهر تأیید برای عمیق‌تر شدن منافع هند در این منطقه می‌داد. هند شروع به گسترش روابط با همسایگان جنوبی خود کرد و این کشور از سال ۲۰۰۰ به این سو روابط خود را در حوزه منطقه‌ای اش عمق داد (Scoot, 2009: 109). ناتو با گسترش این همکاری علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های هند در حل مشکلات امنیتی فراوان در افغانستان، تلاش دارد هند را در جهت منافع راهبردی ناتو در منطقه از طریق‌های ذیل درگیر نماید:

- ۱- مهار چین ۲- میانجی‌گری با جمهوری اسلامی ایران ۳- ورود به منطقه آسیای مرکزی ۴- ورود به منطقه آسیایسوفیک ۵- مقابله با دزدان دریایی به خصوص در سومالی و ...
- برگزاری عملیات سپر اقیانوس از ماه اگوست ۲۰۰۹ میان هند و ناتو، روابط طرفین را بیش از گذشته مستحکم کرده است به طوری که دیگر هند نمی‌تواند ناتو را نادیده بگیرد و در عمل در

داخل این سازمان قرار گرفته است. تصور رهبران هند نیز بر این است که ناتو منافعی امنیت و منافع منطقه ای هند نیست و چه بسا در خدمت امنیت منطقه ای هند نیز عمل می نماید (Bhadrakumar, 2010). در سال ۲۰۱۱، گفت و گوی هند و ناتو به مدت دو روز در جریان بود؛ یک روز این گفت و گو با محوریت هم گرایی برای مشارکت و روز دوم مشارکت برای شراکت برگزار شد. توالی زمانی و موضوعی این نشست دو روزه به خوبی نمایان گر اهمیت مذاکرات طرفین و برنامه آن ها برای عمق بخشیدن به همکاری مشترک است. از سوی دیگر، ناتو و هند امروز به این باور رسیده اند که با عطف به تهدیدات و منافع مشترک راهبردی، دیگر شکل همکاری شان عادی نیست و روابط حالت راهبردی به خود گرفته است. پراناب مخرجی وزیر خارجه هند در گفت و گو با یاپ دی هوپ شفر دبیرکل وقت ناتو در شهر نیویورک اعلام کرد که ناتو برای منافع هند بسیار حیاتی و دهلی نو به اهمیت ناتو در تامین و حفظ منافع منطقه ای اش واقف است (Mukhopadhyay, 2009). در این بین برخی از تحلیل گران در مخالفت با این ایده که هند با تقویت همکاری راهبردی اقتصادی و نظامی با آمریکا و ناتو، در پی حضور موثر در بلوک کشورهای غربی است؛ معتقدند که هند یک رویکرد متوازن را در سیاست خارجی اش دنبال می کند. هم اکنون این کشور دارای روابط حسنه با کشورهای چینی، روسیه، برزیل، ایران، قزاقستان، ژاپن، آفریقای جنوبی و ویتنام است. از این رو رگه های فکری گرایش عدم تعهد در بدنه دستگاه دیپلماسی هنوز حاکم است و این کشور متناسب با منافع ملی اش، مناسبات بین المللی اش را تنظیم می کند. هم چنین، پایه مهم دیگر سیاست خارجی هند، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها است. دولت هند به شدت مخالف ارتقای دموکراسی در دیگر کشورهای جهان از طریق ابزار زور و قوه قهریه است. با عطف به این امر میانمار یکی از همسایگان هند که ساختار اقتدار گرایانه دارد، همیشه از سوی هندی مورد احترام بوده است. از این منظر بهتر می توان ریشه مخالفت هند با ورود نظامی سازمان ناتو به بحران لیبی را درک کرد (Helbig, Ibid: 3-4). در این زمینه دو مورد از مهم ترین زمینه های افتراق ناتو و هند عبارتند از: ۱- موضوع همکاری ناتو با پاکستان ۲- رویکرد مداخله جویانه این سازمان در بحران های سیاسی در شمال آفریقا به ویژه بحران لیبی. در مورد دوم، هند به عنوان یکی از اعضای غیردائم شورای امنیت همراه با چین رأی ممتنع به درخواست عملیات نظامی ناتو در شورای امنیت داد. جایی که اعضای دائم غربی این شورا که از اعضای اصلی ناتو نیز به شمار می آیند یعنی آمریکا، فرانسه و انگلستان رأی به مداخله نظامی هوایی در لیبی علیه

دولت معمر قذافی دادند. هند از همان ابتدا نگرانی اش را از مداخله نظامی در لیبی مطرح کرد و نسبت به عواقب هولناک حمله هوایی به لیبی هشدار داد. دولت هند با اعلام اینکه مداخله نظامی نتیجه و پیامدی جز تشدید بحران انسانی، افزایش آوارگی و گسترش دامنه های خشونت نخواهد داشت، منتقد ورود نظامی به این کشور بود. در نهایت نیز، تحولات پس از سقوط قذافی در اکتبر ۲۰۱۱ پیچیدگی های بحران در لیبی و از همه مهم تر عواقب شوم مداخله نظامی را نشان داد. نگرانی دیگر هند در ارتباط با ناتو، رابطه نزدیک ناتو و پاکستان است. هند با عطف به رقابت نظامی و سیاسی با اسلام آباد هر گونه گسترش روابط ناتو و پاکستان را تهدیدی بر منافع و امنیت ملی خودش در نظر می گیرد. در راهبرد امنیت ملی هند، پاکستان بزرگ ترین تهدید برای امنیت و حاکمیت ملی هند در نظر گرفته شده است. حمایت های اسلام آباد از جریان های تروریستی مخالف دولت هند و هم چنین مجهز بودن پاکستان به سلاح های هسته ای، نگرانی ها در میان سران هند از تهدید بودن پاکستان را بیشتر کرده است. در همین راستا دولت هند در تلاش است با برجسته سازی اهمیت کشورش در ارتباط با ناتو، حضور پاکستان را در برنامه های صلح ناتو در حاشیه قرار دهد. بی گمان یکی از زمینه های تقویت رابطه هند با ناتو، در افغانستان است. جایی که دهلی نو برخلاف اسلام آباد در پی برقراری ثبات و کنترل تهدید طالبان در افغانستان است. حمایت هند از ایساف در همین راستا قابل تحلیل است (TOI, 2011).

### ۳-۳- موضوع، محیط و سطح در روابط هند و ناتو



شکل ۲: ابعاد تحلیل رابطه ژئوپلیتیکی ناتو و هند

با توضیحات فوق و با توجه به تجزیه و تحلیل منابع موجود در زمینه رابطه ناتو و هند می بایست رابطه این دو کنش گر را در قالب فوق و با تاکید مجزا بر موضوع های مرتبط در این رابطه، محیط شکل گیری رابطه و سطوح آن، تحلیل کرد:

۳-۳-۱- موضوع: مساله مبارزه با تروریسم بن مایه اصلی و نقطه عطف در موضوعات میان ناتو و هند است. این موضوع خود طیف متنوعی را شامل می شود. از مبارزه با دزدی دریایی تا تلاش برای کنترل تهدید افراط گرایان جهادی، زمینه فعالیت مشترک ناتو و هند است. هم اکنون طرفین



در آب های خلیج عدن و اقیانوس هند همکاری نظامی در جهت مقابله با دزدان دریایی سومالیایی دارند. وارن سانهی یکی از تحلیل گران هندی معتقد است که سطح همکاری ضد تروریستی هند و ناتو در سه سطح قابل بررسی است: ۱- در سطح مفهومی این همکاری از نوع همکاری ارزشی است. هر دو به عنوان داعیه دار دموکراسی و ارزش های لیبرال مدعی حراست از این ارزش ها هستند. ۲- سطح دوم عملیاتی است. در این سطح طرفین در ابعاد اطلاعاتی، برگزاری رزمایش های مشترک نظامی و تبادل تجارب به همدیگر کمک می کنند ۳- سطح سوم، نهادی است. همکاری نزدیک ناتو با هند، به سهم خود کمک بالایی برای کنترل تروریسم در هند محسوب می شود (Sanhi, 2010). بدین رو ناتو و هند با در نظر گرفتن مجموع شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی به شراکت روی آورده اند. در این بین فاکتور دموکراسی و فاصله گیری از چین محرک مناسب و به نوعی از دیگر موضوعات در هم گرایی هند و ناتو شده است. بعد از فروپاشی کمونیسم، دولت وقت هند بر سر تداوم دوستی با روسیه غیر دموکراتیک دچار گیجی و ابهام شد. هند به عنوان کشوری که خود را پرچم دار دموکراسی در منطقه و حتی جهان می داند به سرعت به سمت نهاد های بین المللی حامی دموکراسی حرکت خواهد کرد و به جنبش جهانی دموکراسی که از سوی آمریکا مورد حمایت واقع می شد، پیوسته و نزدیک تر نیز خواهد شد. هند میزبان اولین نشست این جنبش در سال ۱۹۹۹ در شهر دهلی نو شد. خود این امر جایگاه و قدرت نرم هند را در نظام جهانی ارتقا داد و زمینه ارتباط گیری بیشتر این کشور با ناتو که بعد از جنگ سرد مدعی حراست و گسترش ارزش های لیبرال دموکراسی بود، گردید (Mohan, 2007: 102). هم چنین، هند جذابیت خاصی برای ناتو دارد چرا که ناتو از همان ابتدا تمرکز و شعارش را بر حراست از ارزش های دموکراسی گذاشته است و پیمان آتلانتیک شمالی که در سال ۱۹۴۹ مورد تصویب قرار گرفت، پایه اتحاد را بر اصول دموکراسی، آزادی های فردی و حاکمیت قانون قرار داد؛ لذا هم اکنون هند به عنوان یکی از بزرگ ترین دموکراسی های کنونی، جذابیت خاصی در ناتو دارد و این سازمان، اهداف فکری و ایدئولوژیک اش را همسو با ارزش های موجود سیاسی در هند می داند. ناتو در تلاش است با عمق دادن به روابط اش با هند از ظرفیت های دهلی نو در جهت گسترش دموکراسی نیز بهره بگیرد. هند تاکنون به دلایل مختلف سیاسی همچون رقابت با چین و نیاز به واردات انرژی، توجه خاصی به پیگیری ارزش های دموکراسی در محیط سیاسی اش نداشته است.

۳-۲- محیط: تحلیل ها نشان می دهد که نقطه تلاقی و اتصال هند و ناتو، در افغانستان است.

هم خوانی منافع راهبردی هند و ناتو در افغانستان، موقعیتی بی نظیر برای طرفین جهت افزایش تعامل و هم‌گرایی فراهم آورده است. افغانستان در منطقه حساس آسیا قرار گرفته است؛ از یکسو به شبه قاره هند و از سوی دیگر به آسیای مرکزی و چین و از سمت دیگر به آسیای غربی وصل است. از منظری می‌توان سه ویژگی برای افغانستان از حیث ژئوپلیتیک بر شمرد: ۱-اولا دارای موقعیت بری بوده و از دسترسی به آب‌های آزاد جهان محروم است. ۲-ثانیا در مسیر ارتباط آسیای میانه به اقیانوس هند قرار گرفته است. ۳-ثالثا مجاورت افغانستان با جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری در تضاد با اهداف و اصول ناتو است که این کشور را در جایگاه کشورهای ژئواستراتژیک قرار می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت که افغانستان یک سرزمین کوهستانی و بن‌بست در مرکز آسیاست که با وجود فقدان منابع راهبردی نفت و گاز، از موقعیت جغرافیایی مساعدی برخوردار است. این کشور به عنوان دروازه هند و حایل بین روسیه و اقیانوس هند در جهت مقاصد اعضای ناتو حائز اهمیت است. هم‌چنین افغانستان به عنوان راه عبور پاکستان به آسیای مرکزی، دالان اتصال ایران به تاجیکستان و گذرگاهی برای دسترسی به هند و کشمیر و دهلیزی برای نزدیک شدن روسیه به آب‌های گرم محسوب می‌شود. ناتو با آگاهی از اهمیت سوق الجیشی این کشور کماکان به دنبال تداوم نفوذ و حضور موثر و امن‌اش در این کشور است (پاشاپور، ۱۳۹۱: ۷) که در این زمینه نیازی وافر به کشور هند دارد. بدین ترتیب از دید ناتو، هند بنا به ملاحظات اقتصادی و ژئوپلیتیکی‌اش به دنبال برقراری صلح و ثبات در افغانستان است؛ سیاستی که ناتو نیز دنبال می‌کند. با عطف به این امر، ناتو و هند طی توافقی به تقسیم کار نیز در افغانستان پرداختند. مطابق توافق، ناتو عهده دار تامین امنیت و ثبات در افغانستان شد و هند وظیفه بازسازی اقتصادی و زیربنایی را برعهده گرفت. در کنار افغانستان، منطقه بزرگ آسیای مرکزی نیز در حوزه منافع مشترک و همکاری امنیتی هند و ناتو قرار دارد. نخست این‌که مشارکت هند در امور اقتصادی و سیاسی افغانستان به خودی خود باعث افزایش نفوذ و ارتباط دهلی نو و ناتو با کشورهای آسیای مرکزی نیز می‌شود. برای هند به عنوان کشور واردکننده انرژی، امنیت و ثبات منطقه آسیای مرکزی که از کانون‌های عرضه انرژی در دنیا محسوب می‌شود، بسیار اهمیت دارد. در برابر ناتو هم با حضور در این منطقه و تلاش برای مقابله با حرکت‌های آشوب‌زا نظیر فعالیت افراط‌گرایان مذهبی، در خدمت منافع هند و اقتصاد بین‌الملل است. این وضعیت در مناطق خلیج فارس، خلیج عدن و باب‌المنندب نیز حاکم است (Rao, 2010).

۳-۳-۳-سطح: در روابط هند و ناتو سطوح و درجه بندی چند بعدی وجود دارد. ریزوو، عضو

بلندپایه ناتو در همین خصوص گفته است که تنوع عمیق برنامه های همکاری میان ناتو و هند برقرار است. همکاری در عرصه پایگاه های نظامی، پایگاه هوایی و انتقال تجربیات میان طرفین وجود دارد. ناتو در مأموریت های نظامی اش نیروهایی را از هند نیز به کار می گیرد. از سوی دیگر در بحران افغانستان، هند کمک موثری به ناتو در بعد اطلاعاتی و مشاوره نظامی داده است. بدین رو اگر بخواهیم به طور خلاصه سطوح همکاری ناتو و هند را طبقه بندی کنیم، در پنج سطح قابل بررسی است. اطلاعاتی، برنامه ریزی استراتژیک، لجستیکی، تمرین نظامی، ارتباط رسمی (Sethi, 2011). در ارتباط با مشارکت اطلاعاتی آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر شروع به باز کردن روزه های همکاری با دولت هند برای رصد فعالیت افراط گرایان کرد و این امر سرآغاز ارتباط اطلاعاتی دو کشور شد. در رابطه با برنامه ریزی استراتژیک این نکته مطرح است که هم ناتو و هم هند، حوزه علائق مشترک دارند؛ به عبارتی هر دو نسبت به حوزه جغرافیایی خاصی همچون آسیای مرکزی، خاورمیانه و اقیانوس هند حساسیت دارند. از این رو منافع راهبردی شان کاملاً هم خوانی دارد. به لحاظ لجستیکی، هند شروع به اخذ تکنولوژی های پیشرفته نظامی از آمریکا و به خصوص فرانسه بعد از سال ۲۰۰۵ به عنوان دو عضو اصلی و موثر ناتو کرده است. توافق امنیت دفاعی هند و آمریکا در سال ۲۰۰۵ گویای این امر است. طی این توافق آمریکا متعهد به فروش تجهیزات پیشرفته نظامی به هند شد. از سوی دیگر طی این توافق، تمرین های مشترک نظامی میان طرفین تقویت شد. هند و آمریکا تمرین های مشترکی چن ملابر، تمرین وارونا با فرانسه و با انگلیس تمرین مشترک نظامی کونسان برگزار کرده اند. هند با برگزاری این تمرین های مشترک نظامی به دنبال عمق دادن روابط نظامی اش با اصلی ترین اعضای ناتوست. با عطف به گسترش این همکاری، هند و ناتو در سپتامبر ۲۰۱۱ میلادی یک برنامه دفاعی موشک بالستیکي برگزار کردند. اخیراً هم در ژوئن ۲۰۱۶ یک توافق مشترک نظامی میان هند و آمریکا از سوی ناراندا موندی نخست وزیر هند و باراک اوباما رئیس جمهور سابق آمریکا به امضا رسید. مطابق این توافق آمریکا متعهد به حمایت از هند در ابعاد مختلف امنیتی و نظامی شد و اعلام کرد که هند به شریک اصلی آمریکا در منطقه تبدیل شده است. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا هم بعد از ورود به کاخ سفید از اهمیت توافق نظامی با هند سخن گفت و این که واشنگتن باید گام های عملیاتی تر در قبال هند بردارد. هند شریک دفاعی آمریکا در منطقه جنوب غربی آسیا است و بایستی این کشور به لحاظ تکنولوژی نظامی و خدمات لجستیکی تقویت شود. هم راستا با تلاش های کاخ سفید، کنگره آمریکا

نیز با گذراندن لایحه قانون مجوز دفاع ملی رسماً هند را به عنوان شریک دفاعی آمریکا به عنوان مهم ترین عضو ناتو به رسمیت شناخت (Webster, 2018:1). در سطح ارتباط رسمی هم، سطح همکاری طرفین به شدت پویا و منعطف است. گرچه به لحاظ رسمی هیچ عضویتی از سوی هند در ساختارهای سیاسی و نظامی ناتو دیده نمی شود اما سطح همکاری و مشارکت بسیار بالاست. هم اکنون ناتو با کشورهایی چون پاکستان توافق مشارکت دارد. دولت هند با وجود احترام به چنین توافقاتی بر این عقیده هستند که منزلت و احترام بیشتری نسبت به پاکستان در ارتباط با ناتو دارد و از همین رو شایستگی سطح دوستی و همکاری نزدیک تری را با این سازمان برقرار کرده است. البته در این خصوص باید به حساسیت های ملی گرایی در هند نیز اشاره کرد که حاضر به تفویض اختیارات در حوزه های امنیت ملی نیستند. با این وجود هند و ناتو سطح روابط بسیار منعطف و نزدیکی دارند که در نوع خود قوی تر و کارآمد تر از توافقات خشک رسمی است (Scott, 2012:17). با این حال امروزه با عطف به اهمیت بالای منطقه جنوب غربی آسیا در دکرترین امنیتی و راهبردی آمریکا، بحث عضویت هند در ناتو نیز به طور مستقیم از سوی دولت آمریکا پیگیری می شود. همان طوری که اشاره شد، اقدام اخیر پارلمان آمریکا در تصویب لایحه دفاع ملی سال ۲۰۱۷ میلادی که طی این لایحه هند به شریک راهبردی آمریکا تبدیل شده، فضا و زمینه مطمئنی برای عضویت رسمی هند در ناتو فراهم شده است. قابل ذکر است که وزارت دفاع آمریکا برای دستیابی به این اهداف دفتر ویژه ای در ساختمان وزارت دفاع ایجاد کرده است که در این مرکز راه های چگونگی همکاری هند و ناتو مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول و نهاد های اقتصادی جهانی، هند به عنوان یک کشور نوظهور در اقتصاد دنیا، آینده درخشانی در شبکه اقتصاد بین المللی خواهد داشت. این کشور در کنار داشتن اقتصاد قوی و هم چنین نیروی انسانی وسیع، در حوزه پیشرفت های علمی و فناوری های روز دنیا نیز به مراحل قابل قبولی رسیده است. هند علاوه بر این، جزو کشورهای صاحب فناوری های نظامی هسته ای نیز محسوب می شود که این کشور را در حوزه نظامی نیز در جایگاه ویژه ای در دنیا قرار داده است. با عطف به این اهمیت است که دولت آمریکا برای جذب هند و عضویت در ناتو تلاش می کنند. آمریکا با اضافه کردن هند به ناتو موقعیت ژئوپلیتیکی خودش را افزایش خواهد داد؛ افزایش توان ژئوپلیتیکی ناتو و با تبع آن آمریکا، کشور چین را بیش از هر کشور دیگر تحت تاثیر قرار می دهد. اساساً آمریکا با عضویت هند در ناتو به نوعی به دنبال مهار بیشتر چین است. اتحاد نظامی هند با آمریکا، توان نظامی و تاثیر گذاری روسیه و چین را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

با این وجود هند با اطلاع از وزن واقعی خود در عرصه بین الملل تلاش می کند بر اساس منافع خود عمل کند.

### ۳-۴- یافته های پژوهش: روابط هند و ناتو و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

هرچند ایران و هند تا سال ۱۹۴۸ میلادی مرز های مشترک طولانی زمینی و دریایی و حوزه جغرافیایی و تاریخی مشترکی داشتند اما در دوران نوین نیز ایران و هند پس از استقلال هند، روابط را برقرار و پیمان دوستی به نام «صلح و دوستی ابدی» را امضا کردند. روابط ایران و هند پس از انقلاب اسلامی با توجه به نقش متغیر های مختلف تا پایان جنگ سرد، بهبود قابل توجهی را به خود ندید، اما با فروپاشی شوروی، بروز بحران افغانستان و اهمیت یافتن کشورهای آسیای مرکزی برای هندوستان بسترهایی برای نزدیکی بیشتر ایران و هند فراهم شد. در چند سال گذشته، سفر نارندرا مودی، نخست وزیر هند، به ایران در خردادماه ۱۳۹۵ به عنوان اولین دیدار نخست وزیر هند از ایران در ۱۵ سال گذشته و امضای تفاهم نامه ای به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار برای توسعه بندر چابهار و سرمایه گذاری برای احداث خط آهن، توافق سه جانبه ایران، هند و افغانستان برای احداث کریدور حمل و نقل بین المللی در چابهار به گسترش روابط کمک کرد. در اواخر بهمن ۱۳۹۶ نیز حسن روحانی، رئیس جمهور ایران به هندوستان سفر کرد. هند به ایران به مثابه قدرت بزرگ منطقه ای و تأثیرگذار بر تحولات منطقه ای و بین المللی نگاه می کند. هم چنین، در گذشته بسیاری از احزاب هند از برنامه هسته ای ایران حمایت کرده اند و افکار عمومی هند نیز دید مثبتی به ایران داشته است. در واقع، رهبران هندی با وجود چالش های یک دهه گذشته، همواره کوشیده اند سطحی از روابط با ایران را حفظ کنند و با درک نقش ایران، ضمن حفظ روابط با قدرت های بزرگ، حاضر به چشم پوشی از روابط خود با تهران نبوده اند (رمضانی بونش، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، هند به عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان با رشد اقتصادی شش درصدی طی سال های پایانی قرن بیستم به عنوان یک قدرت نوظهور مطرح بوده و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۵ در جایگاه چهارمین قدرت اقتصادی دنیا قرار گیرد. توسعه قدرت نظامی به همراه جهش چشم گیر در قدرت نرم افزاری این کشور بویژه در صنایع فضایی و ورود به عرصه فناوری هسته ای، جایگاه ویژه ای را در معادلات امنیت منطقه ای و بین الملل برای هند فراهم ساخته است. از سوی دیگر ج.ا. ایران در چارچوب سیاست های کلان نظام و براساس سند چشم انداز ۱۴۰۴ به دنبال دست یابی به جایگاه برتر منطقه ای است. تحولات اخیر منطقه به ویژه موج بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا از یک سو

و تقابل دیرینه ایران و آمریکا، نگاه ایران به منطقه آسیای جنوبی، نفوذ عمیق آمریکا و اسرائیل در منطقه بویژه در شبه قاره هند و نوع بازی ایران و هند در حوزه های همکاری یا رقابت، عرصه های هم گرایی و واگرایی متنوعی را برای این تعاملات دو جانبه و چند جانبه فراهم ساخته است. روی هم رفته می توان نوع و ماهیت تعاملات ایران و هند را دارای این ویژگی های مهم در نظر گرفت. در تحلیل رابطه ایران و هند باید ذکر شود که: ۱- هر دو کشور با توجه به امتیازات و داشته های خاص خود، دارای موقعیت راهبردی در منطقه به شمار می آیند. ۲- هر دو کشور با قرار گرفتن در شرق جغرافیایی نه تنها در یک جبهه فرهنگی تاریخی به شمار می روند بلکه در طول تاریخ نیز دارای روابط حسنه و مبتنی بر تعامل و هم گرایی بوده اند. ۳- با توجه به موقعیت جغرافیایی و همسایگان، دو طرف دارای ارزش های ژئوپلیتیکی فراوانی بوده که جایگاه آن ها را در زمینه امنیت منطقه نسبت به دیگر کشورهای منطقه ویژه می نماید. ۴- رشد بیش از پیش و افق های اقتصادی کشور هند وابسته به انرژی است که سریع ترین و ارزان ترین راه دستیابی به آن ها برای هندی ها، ج. ا. ایران است. ۵- ایران دارای منابع غنی نفت و گاز است و با توجه به نیازمندی های هند به انرژی، حضور در بازار ایران اهمیت بالایی در میان دولتمردان هندی دارد. ۶- در حال حاضر هر دو کشور از اعضای اصلی جنبش عدم تعهد هستند که تکیه بر رویکرد های مستقلانه را مطالبه می نمایند.

در مجموع عوامل فوق زمینه های هم گرایی مناسبی را در رابطه ایران با هند بر سر موضوعات امنیتی، منطقه ای، بین المللی و همکاری های اقتصادی و تجاری سبب می شود اما رشد فزاینده غرب گرایی در سیاست خارجی هند در کنار نفوذ اسرائیل در این کشور و مسئله کشمیر، زمینه های تنش نسبی را نیز در میان ایران و هند ایجاد کرده است (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۶۰)

موضوع		سطح		محیط	
تورسم	افراط گرایی	امنیتی	نظامی	افغانستان	
دزدی دریایی	دموکراسی	اطلاعاتی	سیاسی	چین	پاکستان
امنیت انرژی	بحران آب	اقتصادی	اجتماعی	آسیای مرکزی	روسیه

تصویر ۳: تحلیل ژئوپلیتیکی رابطه ارتباط ناتو و هند با امنیت ملی ج. ا. ایران

در صورت تفکیک رابطه هند و ناتو در سه بخش محیط، سطح و موضوع، ابعاد مهمی از این رابطه که می‌تواند امنیت ملی ج.ا. ایران را متاثر کند، روشن خواهد شد. در ادامه به این موضوع پرداخته شده است: رابطه هند و ناتو، محیط جمهوری اسلامی را در مرزهای دور و نزدیک را در مواردی از جمله افغانستان، پاکستان، چین، روسیه و آسیای مرکزی از خود متاثر می‌کند. هرچند افغانستان اصلی‌ترین محیط در رابطه ناتو و هند تعریف می‌شود اما تمامی مناطق جغرافیایی فوق، در رابطه هند و ناتو، با ج.ا. ایران در ارتباط است. نزدیکی هند و ناتو در افغانستان اگر ثبات و امنیت را به افغانستان هدیه دهد هرچند برای امنیت ملی ایران نیز یک فرصت است اما ترویج رویکرد های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هند به عنوان یک نمونه دموکراسی غربی و لیبرال دموکراسی در منطقه در این کشور، یکی از مهمترین تهدید های پیش رو ج.ا. ایران است. همراه کردن دولت و مردم افغانستان با معیارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی غربی که این کشور هیچ تناسب و تاریخی با آن ندارد، تفصیلی فراوان می‌خواهد که از حوصله ی این نوشتار خارج است. از سوی دیگر رابطه هند و ناتو اگر منجر به میانجی‌گری ناتو به ویژه ایالات متحده در رابطه هند و پاکستان گردد نه تنها یکی از مهم‌ترین دغدغه های تاریخی این منطقه جغرافیایی مرتفع خواهد شد بلکه امنیت و آرامش در پاکستان، ارتباط مستقیمی با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. اکنون عدم ثبات سیاسی در پاکستان و اختلافات تاریخی با هند که منجر به صلح مسلح بین آن دو شده است با توجه به هسته ای بودن هر دو کشور و به ویژه حضور افراط‌گرایان جهادی متعدد در خاک پاکستان، تهدیدی بالقوه برای ایران است. رشد هم‌گرایی هند و ناتو که منجر به حضور موثر و بیشتر این سازمان در خارج از منطقه ی سنتی آن و نزدیکی بیش از پیش به مرزهای روسیه به عنوان بازمانده اتحاد جماهیر شوروی خواهد شد، همانند کلیت رویکرد نگاه به شرق ناتو مورد رضایت روس‌ها نیست و این فرصتی مناسب برای ج.ا. ایران است تا با استفاده از این شرایط بر عمق روابط خود با روسیه به دلیل نزدیک شدن بیش از پیش رقیب مشترک، بیفزایند. هم‌چنین، مساله کشور چین نیز در همین قالب قابل تحلیل است و لذا می‌بایست از این فرصت برای هم‌گرایی چین، روسیه و ایران در قالب سازمان شانگهای تاکید و پیگیری گردد. در نهایت رشد روابط هند و ناتو، پای هند را در منطقه آسیای مرکزی بیش از گذشته باز خواهد کرد؛ چرا که نه تنها ناتو و اکثر سازمان های غربی تلاش دارند رویکرد های دموکراسی و بازار آزاد را در منطقه آسیای مرکزی ترویج کنند و در این بین بهترین گزینه یک دموکراسی و نظام اقتصادی

موفق شرقی است بلکه حضور هند در این منطقه، مانعی اصلی در برابر نفوذ چینی ها، ژاپنی ها، روس ها و حتی ایرانی ها در این منطقه است. حضور هند به نیابت از غرب در آسیای مرکزی نه تنها مانعی جدی در برابر حضور موثر ج. ا. ایران در این منطقه به دلیل تفاوت در دیدگاه های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی است بلکه در عمل بسیاری از فرصت های ژئوپلیتیکی ایران از جمله موقعیت ترانزیتی و عبور و مرور را از دست مان خارج خواهد کرد. روابط هند و ناتو در زمینه سطح نیز امنیت ملی ج. ا. ایران را متاثر می نماید؛ رشد هم گرایی های دو طرف که در زمینه های اقتصادی و تمرینات نظامی و لجستیکی آغاز شد امروزه ابعاد امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و سیاسی گرفته و رشد این روند، ابعاد جدیدتری نیز از این هم گرایی را در ادامه نشان خواهد داد؛ همکاری هایی که چنان که ذکر آن ها در بالا رفت، با قوت ادامه دارند. در این راستا بی شک منافع و امنیت ملی ایران با توجه به ابعاد متعدد موجود در سطح روابط ناتو و هند دچار مخاطره خواهد شد، و در مساله موضوع نیز امنیت ملی ایران متاثر از رابطه هند و ناتو است. هرچند مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، مهم ترین موضوع همکاری ناتو و هند، به عنوان یک فرصت در اختیار ایران است اما تا کنون و در سال های این هدف اعلامی ناتو، اقدام مثبت و موثری برای امنیت منطقه و بین الملل نه تنها رخ نداده بلکه، رشد گروه های جهاد گرا و اقدامات تروریستی بیش از پیش دنبال شده است که پیام این ادعا، تهدیدی اساسی برای امنیت ملی کشورمان در رابطه هند و ناتو به شمار می رود. در واقع در تمامی موضوعات در ارتباط با همکاری ناتو یعنی دموکراسی، دزدی دریایی، امنیت انرژی و بحران آب نیز همین رویکرد قابل تعمیم است. به عبارت دیگر هرچند موضوع مهم و بسیار مناسب است اما در واقع به دلیل دشمنی تاریخ ایالات متحده با ج. ا. ایران، امکان تبدیل شدن آن از فرصت به تهدید، طبیعی است و لذا هوشیاری مضاعف مسئولین مرتبط را می طلبد. در این زمینه با توجه تقابل منافع و اهداف ایران با ناتو و در مقابل زمینه های متعدد هم گرایی ناتو با هند، بی شک رشد فزاینده روابط این دو کنش گر، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را دچار خطر خواهد کرد. بدیهی است که در صورت عضویت رسمی هند در ناتو و یا پیوستن رسمی این کشور در یکی از برنامه ها یا طرح های ناتو، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش دچار مخاطره خواهد شد چرا که با این اقدام ها نه تنها قلمرو ناتو به طور رسمی وارد حوزه شرقی مرزهای کشورمان خواهد شد بلکه تشریک مساعی مداوم هند با ناتو به عنوان یکی از اولویت های اساسی عضویت رسمی در ناتو یا یکی از طرح های آن، آسیب های متعدد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... را بر کشور تحمیل خواهد نمود. علاوه بر این، ناتو در تلاش است نقاط افتراق میان هند و ایران را



برجسته سازد و ایران را به عنوان کشوری تهدید زا برای منطقه و جهان معرفی نماید. راهبردی که به طور مشخص نیز در برخی از اعلامیه های ناتو مورد تاکید این سازمان قرار گرفته است. در مجموع رشد هم گرایی های هند با ناتو از چند طریق امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را دچار مخاطره می نماید که عبارتند از: ۱- رشد هم گرایی این دو کنش گر مهم ژئوپلیتیکی که هر دو راهبرد های دوگانه و توامان لیبرال دموکراسی را در حوزه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و بازار آزاد را در حوزه های اقتصادی و تجاری دنبال می نمایند در شرایطی که ادبیات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در تفاوت آشکار ایدئولوژیک با این راهبرد ها به سر می برد، به طور طبیعی رشد و تقویت ادبیاتی در تعارض با دیدگاه های کشورمان در مرزهای کشور را در پی دارد که آسیب زاست. ۲- نزدیکی بیش از پیش هند با ناتو سبب ترویج ارزش های این سازمان در منطقه توسط هند به عنوان یک کشور صاحب نظر و سبک در معادلات منطقه ای و بین المللی می شود و به طور متقابل الگوی هند به عنوان الگوی موفق حکومت داری توسط ناتو و اعضای متعدد آن تکرار و ترویج می شود که برای کشورمان آسیب زاست. ۳- رشد قرابت های هند و ناتو اگر منجر به عضویت این کشور در ناتو شود به طور ویژه امنیت اقتصادی کشورمان را به مخاطره خواهد انداخت چرا که هرچند در سال های اخیر تحریم های بین المللی فشار زیادی برای خریداران نفت جمهوری اسلامی ایران آورده است اما با تمام شرایط موجود، هند یکی از خریداران ثابت انرژی از ایران بود که با عضویت رسمی در ناتو و با توجه به حضور اکثر اعضای اصلی صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، شورای امنیت، اتحادیه اروپا و ... در ناتو، دور زدن تحریم ها برای خرید انرژی مورد نیاز هند از کشورمان به حداقل مقدار ممکن خواهد رسید. ۴- همگرایی هند و ناتو اگر منجر به عضویت هند به عنوان یکی از اعضای اصلی سازمان شانگهای در ناتو یا همکاری سطح بالا در طرح های این سازمان شود، با توجه به اهمیت سازمان شانگهای به عنوان ناتوی آسیایی و در تقابل با زیاده خواهی های جبهه غربی به ویژه ایالات متحده، که مورد تایید مسئولان کشورمان نیز است، یک چالش مهم امنیتی نه تنها برای ایران به عنوان عضو ناظر سازمان شانگهای است بلکه به طور موثری نقش این سازمان را نیز متاثر خواهد نمود. ۵- با توجه به نزدیکی جغرافیایی ایران و هند و متاثر شدن هم زمان هر دو کشور از برخی از مناطق حساس در غرب آسیا از جمله آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس، خاورمیانه و ...، در صورت رشد هم گرایی ناتو و هند، هند نیز در هم گرایی با ناتو منافع این سازمان را در این مناطق دنبال خواهد نمود که آسیبی جدی بر حضور

فعال و موثر جمهوری اسلامی ایران در این مناطق است چرا که یک کنش گر بی طرف، مخالف خواهد شد. ۶- رشد روز افزون همکاری های ناتو با هند به عنوان دومین کشور پرجمعیت دنیا که در بسیاری از شاخص ها نیز وضعیت مطلوبی دارد، اگر به همکاری رسمی دو طرف بینجامد سبب افزایش مشروعیت ملی، منطقه ای و حتی بین المللی ناتو خواهد شد که با توجه به تقابل آشکار ماموریت های این سازمان با ادبیات مفهومی جمهوری اسلامی ایران، برای امنیت کشورمان مثبت ارزیابی نمی شود.

اما از دیگر سو اگر با راهبرد رقابت در معادلات ایران با ناتو وارد شویم، ما نیز می توانیم با سیاست های هوشمندانه و مطالعه دقیق تحولات، نه تنها مانع عضویت و همکاری رسمی هند با ناتو شویم بلکه از شرایط موجود همکاری های غیررسمی دو طرف در جهت تقویت امنیت ملی کشورمان استفاده کنیم. در این راستا در ادامه به چند مورد از آثار مثبت هم گرایی ناتو و هند برای کشورمان نیز اشاره شده است: ۱- در صورت حضور موثر هند در افغانستان و برقراری ثبات و امنیت، بی شک جمهوری اسلامی نیز از این فرصت می تواند بهره های فراوان ببرد. ۲- حضور موثر هند به عنوان یک همسایه تاریخی که با کشورمان دارای روابط دیرینه و اشتراکات فرهنگی است در کشور افغانستان و مدیریت شرایط آن، قطعاً برای امنیت ملی ایران مناسب تر است تا سایر اعضای ناتو که دارای افتراقات متعدد امنیتی، سیاسی و فرهنگی با کشورمان هستند. ۳- برقراری ارتباط موثر و گفت و گوی مستقیم در مورد امنیت مرزهای شرقی ایران بی شک با هند ممکن و دردسترس تر است تا سایر اعضای ناتو. ۴- ناتو در صدد است تا از افغانستان به عنوان یکی از پایگاه های نظامی خود استفاده نماید تا بتواند در صورت لزوم عملیات نظامی اش را با ابعاد وسیع تری در منطقه از جمله در برابر ایران انجام دهد؛ بی شک حضور موثر هند در افغانستان به دلیل سابقه ارتباط با ایران و عنصر همسایگی، مانعی جدی در زمینه این تاکتیک به شمار می رود و ...

#### ۴- نتیجه

انتخاب راهبرد های ژئوپلیتیکی متعدد از جمله جهانی سازی و توسعه همسایگی توسط هند از یک سو و راهبرد های ژئوپلیتیکی حضور در خارج از منطقه و مشارکت با قدرت های نوظهور توسط ناتو، در دومین دهه از قرن بیست و یکم، بیش از گذشته این دو کنش گر را به یکدیگر نزدیک کرده است. تغییر رویکرد های گسترده هند در سیاست خارجی و ناتو در مفاهیم نوین راهبردی، زمینه های هم گرایی ناتو و هند را فراهم نموده و هر دو طرف با درک نیازهای متقابل به یکدیگر وارد دوره جدیدی از روابط راهبردی در قالب هم گرایی و مشارکت شده اند که بررسی

آن موضوع مقاله حاضر بود. بیان گردید که هرچند تاثیر بی واسطه عوامل ژئوپلیتیکی در دوران جنگ سرد، واگرایی را بر رابطه هند و ناتو مسلط کرده بود اما با تغییر رهیافت های کلان این دو کنش گر در دوران پس از جنگ سرد، امروزه مجدداً این عوامل ژئوپلیتیکی هستند که هم گرایی را مهم ترین مشخصه رابطه هند و ناتو کرده اند و هرچند هند هیچ رابطه در قالب عضویت رسمی و یا حضور رسمی در برنامه های راهبردی ناتو ندارد اما رشد همکاری های هند با ناتو در زمینه های مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، امنیت افغانستان، تضمین امنیت انرژی، مقابله با دزدی دریایی، کنترل چین، حضور در آسیای مرکزی و ...، نشانه هایی از رسمی شدن این رابطه در آینده دارد. در این راستا، این مقاله تلاش داشت تا آثار این هم گرایی بر امنیت ملی ج.ا. ایران را مورد بررسی قرار دهد و در این رابطه، با معرفی رابطه ناتو - هند در سه زمینه ی اصلی موضوع، محیط و سطح و تشریح آن ها، بیان گردید علاوه بر تهدید های زیادی که به واسطه تضاد گفتمانی جمهوری اسلامی با ناتو با تمرکز بر نزدیکی ناتو با هند برای ایران قابل ترسیم است، نباید فرصت های این هم گرایی را نیز مورد غفلت قرار داد. در پایان پیشنهاد می گردد: ۱- مسئولین ج.ا. ایران با اهمیت دادن به حضور ناتو در تمامی مرزهای آبی و خاکی کشورمان که بی شک با توجه به تضاد گفتمانی ناتو با کشورمان، امنیت ملی ایران را در ابعاد مختلف دچار خدشه می کند، استفاده از ظرفیت هند و سایر شرکای رسمی و غیررسمی ناتو که ایران با آن ها رابطه بهتری دارد را مورد نظر قرار داده و با تشکیل میزهای رسمی گفت و گو، کنفرانس ها و برنامه های علمی و ... با این کشورها در مورد سیاست های توسعه طلبی ناتو در منطقه جنوب غرب آسیا، به جای راهبرد سکوت و تقابل، در مشارکت با سایر ظرفیت های موجود در برابر ناتو از جمله سازمان شانگهای، راهبرد رقابت را با سازمان آتلانتیک شمالی با مدیریت متمرکز و راهبردی منسجم به پیش ببرند. ۲- با استفاده از فرصت ها، سیاست ها و ذکاوت های موجود، با استخراج و تمرکز بر نیاز ها و مشترکات با هند در روابط دو جانبه و منطقه ای، زمینه های عدم عضویت رسمی این کشور را در ناتو دنبال نمایند.

## منابع

- ۱- احمدی فشارکی، حسن علی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه های تعامل و تقابل، تهران، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول شماره ۲. ۱۳۹۰
- ۲- پاشاپور، حجت اله؛ اخباری، محمد، بررسی پیامدهای ژئوپلیتیکی حضور ناتو در افغانستان، تهران، مجله جغرافیا، شماره ۲۰. ۱۳۹۱
- ۳- رضائی بونش، فرزاد، جایگاه رو به رشد هند در جهان و بایسته های گسترش روابط با دهلی نو، شبکه مطالعات سیاست گذاری عمومی، ۲۸ بهمن. ۱۳۹۶
- ۴- قوام، سید عبدالعلی. روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: نشر سمت. ۱۳۹۲
- 5- Akhtar Jamal. *India may agree to deploy NATO missile system. The Pak Observer. 2017-05-21.*
- 6- Asten, Jager(2016), "European Integration", European Journal, London's Global University, No. 3.
- 7- Balthes, Luciana, **NATO a new strategic concept**, Buletin Stiintific 2011 :-
- 8- Bhadrakumar, M. **India holds key in NATO's world view**. Asia Times 2007, [http:// www.atimes.com/atimes/South\\_Asia/IJ06Df03.html](http://www.atimes.com/atimes/South_Asia/IJ06Df03.html). October
- 9- Bhadrakumar, M. **NATO and South Asian security**. The Hindu 27 November 2010(a), [http:// www.thehindu.com/opinion/lead/article915523.ece](http://www.thehindu.com/opinion/lead/article915523.ece).
- 10- Crossman, Ashley, **What Is Convergence Theory?**, *Social Sciences*, 10 August 2017, available at <https://www.thoughtco.com/convergence-theory-3026158>
- 11- Daalder, I. and Goldgeier, J., **Gobal NATO**. Foreign Affairs, 85, 2006.
- 12- Diaz, Tomas & Wiener, Antje (2004), **European Integration Theory**, Oxford, Oxford University Press
- 13- Dutt, S., **Defence, security, diplomacy: India's national interests**, 24 February 2007, [www.associationdiplomats.org/specialevents](http://www.associationdiplomats.org/specialevents).
- 14- Flockhart, T., **After the Strategic Concept. Towards a NATO Version 3.0**. Copenhagen, Denmark: Danish Institute for International Studies, 2011.
- 15- Fouret, J., **Speech by NATO assistant secretary general for public diplomacy H.E. Mr Jean Fournet**, 6 June 2007, <http://www.nato.int/docu/speech/2007/s070606a.html>.
- 16- Fruhling, S. and Schreer, B., **NATO's new strategic concept and US commitments in the Asia-Pacific**. RUSI Journal 154(5): 98-103, 2009.
- 17- Fruhling, S. and Schreer, B., **Creating the next generation of NATO partnerships**. RUSI, Journal 155(1): 52-57, 2011.
- 18- Haas, Ernst B. (2000) **Nationalism, Liberalism and Progress**. Vol. 2. The Dismal Fate of New Nations. Ithaca, NY: Cornell Univ. Press
- 19- Helbig, Robert, **Nato- India: prospects of a Partnership**, Nato Defence College Research Division, 2012, Website, [www.ndc.nato.int](http://www.ndc.nato.int)

- 18- Hyde-Price, Adrian, **NATO's Political Transformation and International Order**. Copenhagen: DIIS REPORT, 2011.
- 19-Jargon Post, [NATO woos India, says ties important to ensure global safety and security](#), 2 September. 25 June 2012.
- 20- Krieger, H., **The Kosovo Conflict and International Law**. Cambridge: Cambridge University Press, 2001.
- 21- Kumar, S., **Should India join NATO to combat terrorism?** Article (ICPS) [http://www.ipcs.org/article\\_details.php?articleNo=2775](http://www.ipcs.org/article_details.php?articleNo=2775). 2775, 8 January 2009,
- 22- MOD, **Annual Report 2006–2007**, New Delhi, India: Ministry of Defence, 2007.
- 23- Mitrany, David, **the Functional Theory of Politics**, London, 2000.
- 24- Mukherjee, P., **Defense Minister Pranab Mukherjee on India's strategic**, 2005.
- 25- Mukhopadhyay, A., **NATO at 60: A reality check**, Special Feature(IDSA), 2April,2009,[http://www.idsa.in/specialfeature/NATOat60arealitycheck\\_armukhopadhyay\\_020409](http://www.idsa.in/specialfeature/NATOat60arealitycheck_armukhopadhyay_020409)
- 26-Mohan, C.R., **Balancing interests and values: India's struggle with democracy promotion**, Washington Quarterly 30, (3), 2007.
- 27-NATO, **Riga summit declaration**, 29 November 2006, .htm. <http://www.nato.int/docu/pr/2006/p06-150e>
- 28-NATO. **Strategic Concept for the defence and security of the members of Atlantic treaty organization: Active engagement, modern defence, the North** 19 November 2010(a), <http://www.nato.int/lisbon2010/strategic-concept-2010-eng.pdf>.
- 29-The Hindu, PTI, **NATO offers missile defence cooperation to India**, Retrieved 15 March, 2012.
- 30-Rao,N, **India as a consensual stakeholder In the Indian Ocean: Policy** 19 November 2010. contours, <http://meaindia.nic.in/mystart.php?id=55031670>,
- 31-Rasmussen, A., **NATO in the 21st century: Towards global connectivity**. 7 February (2010a), [http://www.nato.int/cps/en/natolive/opinions\\_61395.htm](http://www.nato.int/cps/en/natolive/opinions_61395.htm).
- 32-Ringsmose, Jens and Sten Rynning, **NATO's NEW STRATEGIC CONCEPT: a COMPREHENSIVE ASSESSMENT**. DIIS REPORT, 2011.
- 33-Rizzo, A., **Speech, conference on 'NATO-Gulf cooperation in the framework of the Istanbul Cooperation Initiative'**, 21 January (2007a), [http://www.nato.int/cps/en/SID-89829724-16DC5D94/natolive/opinions\\_8023.htm](http://www.nato.int/cps/en/SID-89829724-16DC5D94/natolive/opinions_8023.htm).
- 34-Ruhle, M., **NATO after Prague: Learning the lessons of 9/11**. Parameters 33(2), 2003.
- 35-Sanhi, V., **Towards a new NATO strategic concept. A view from India**, *Perspective* (Friedrich Ebert Stiftung), October 2010.
- 36-Sethi, M., **NATO's India offer**. The Diplomat 15 September 2011, <http://the-diplomat.com/flashpoints-blog/2011/09/15/natos-india-offer/>.
- 37-Scott, D., **India's 'Extended Neighbourhood' concept: Power projection for a rising power**, India Review, 2009.
- 38-Scott, David, **Nato and India: The Politics of Strategic Convergence, Article in International Politics**, January 2012.

- 39-Sibal, K., **Keynote address by foreign secretary, centre for United Nations .Peacekeeping**, New Delhi: 21 August 2003, <http://meaindia.nic.in/mystart.php?id=53016797>.
- 40-Solana, J. , **Letter dated 30 January 1999 from the Secretary-General of the Treaty Organization addressed to the President of the Federal North Atlantic Republic of Yugoslavia**, 1999, [www.un.org/peace/kosovo/s99107.pdf](http://www.un.org/peace/kosovo/s99107.pdf).
- 41-T.S. Subramanian, **India studying NATO offer on joining missile programme**, The Hindu. Retrieved 15 March 2012.
- 42-TOI, **India regrets air strikes over Libya**. 21 March 2011, [http://articles.timesofindia.indiatimes .com/2011-03-21/india/29171142\\_1\\_air-strikes-abjure-violence-libyan-leader](http://articles.timesofindia.indiatimes .com/2011-03-21/india/29171142_1_air-strikes-abjure-violence-libyan-leader).
- 43-Upadhyay, Akshat, **NAM, NaMo- NATO? Indian Foreign Policy in Transition**, 2018, <https://moderndiplomacy.eu/2018/03/21/nam-namo-nato-indian-foreign-policy-in-transition/>.
- 44-Wagnsson, Charlotte, **NATO's Role in the Strategic Concept Debate: Watchdog, Fire-Fighter, Neighbour or Seminar Leader? Cooperation and Conflict**, Available at: <http://cac.sagepub.com/content/46/4/482.htm>. Accessed on: 2012/04/21.
- 45-Webster, Keith, **Trump Must Act Now on US-India Defense Relations**, 2018, Available at: <https://thediplomat.com/2018/01/trump-must-act-now-on-us-india-defense-relations/>.
- 46-Wittmann, Klaus, **An Alliance for the 21st Century? Reviewing NATO's New Strategic Concept**, Copenhagen: DIIS REPORT, 2011.
- 47-Yost, D., **NATO and the anticipatory use of force**, International Affairs No. 39, 2007.